

# طرف سقراط و طرف ما

## (ملاحظات تاریخی سقراط درباره هویت ایران و ایرانی)

سیدموسی دیباج\*

### چکیده

پیشتر در مقاله‌ی تحت عنوان «اندیشه ایران در اندیشه سقراط (کنفرانس بزرگداشت فیلسوف یونانی سقراط، تهران/۱۳۸۰)» استدلال نمودیم که در مکالمات افلاطونی، تصریحی بر حق ملت ایران و نیز حق دولت ایرانی دیده نمی‌شود. سقراط که انتظار داشت ایرانیان حکومت آتن را برسمیت بشناسند، در تأیید رسمی و باصطلاح دوزوری حکومت هخامنشی سخنی بصراحت نمی‌گوید. برغم اینکه افلاطون بیش از دیگر یونانیان با آزادمنشی از شاعران و نمایشنامه‌نویسان و مورخان دیگر ملتها و در این میان بیشتر از ملت ایران یاد میکند، اما وی حقوق دموکراتیک آتنیها را مشروط به حفظ حقوق ملتهای دیگر از جمله ایرانیها و مصریها و مشروعیت دولتهای آنان نمیداند.<sup>(۱)</sup> در نوشتار حاضر قصد ما این است که ویژگیهای خودشناسی آتنی را در نسبت با خودشناسی ایرانی تعریف و بازشناسی کنیم؛ افلاطون در اشعار خود گفته است: «سلام مرا به ساحلی که همسایه ماست برسانید.» بتعبیر فیلسوفانه آتن باید به مرزها کشیده شود تا خود را دریابد، زیرا مرزهای اندیشه آتنی و یونانی

۱۳۹

\* دانشیار گروه فلسفه دانشگاه تهران؛ dibadj@hotmail.com

تاریخ تأیید: ۹۵/۱۰/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۵/۷/۱۶



سال هفتم، شماره سوم  
زمستان ۱۳۹۵  
صفحات ۱۶۰-۱۳۹

سیدموسی دیباج؛ طرف سقراط و طرف ما (ملاحظات تاریخی سقراط درباره هویت ایران و ایرانی)

برای خودشناسی و مطالعه تاریخ ایرانی اهمیت دارد و همانگونه که سقراط خود به بیگانه اجازه داده بود، بیگانه میتواند درباره ماهیت «حد»، از جمله حد و رسم انسان یونانی و غیر آن سخن بگوید.

به یاد بیاوریم زمانی که فایدروس به سقراط گفته بود: «سقراط! چه آسان میتوانی راجع به مصر و هر کشور دیگر که بخواهی داستان بسازی». قصد ما در نوشتار حاضر، پیروی متقابل از سقراط در این فقره نیست و نمیخواهیم وارد انشاء اسطوره‌یی و داستانی و یا تاریخی درباره یونان سقراط بشویم، بلکه مقصود تفسیر و تفصیل نظر سیاسی سقراط درباره ایران بخصوص با رجوع به رساله *آلکیبیدس* و رساله *قوانین* است.

**کلیدواژه‌ها:** سقراط، افلاطون، *آلکیبیدس*، *قوانین*، آیسخولوس، کوروش، هویت ایرانی، شعور تاریخی ایرانی، کنفرانس سقراط

\* \* \*

#### مقدمه

دانش سقراط درباره ایران و نظامات حکومتی در ایران چگونه است؟ و تصور وی از ایرانیان که در برابر و در ابتدا باید پرسید که همسایگی یونانیانند چه میباشد؟ در *آپولوژی* کرفون از دلفی شنیده بود که میگوید دانایتر از سقراط نیست. سقراط در دادگاه سخن کرفون را به یاد دیگران می‌آورد، اما خود آن را انکار میکند. «خود دانم که از دانایی کمترین بهره را ندارم».<sup>(۱)</sup> در پاسخی که خداوند به زبان سخنگوی پرستشگاه دلفی جاری ساخت مقصود صرفاً بیان این نکته بود که بی‌ارجی دانش بشر را عیان نماید و به گمان سقراط خداوند صرفاً از برای مثال، نام او را یاد کرد؛ یعنی خواست بگوید «داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند که هیچ نمیداند». بنابراین، دانستن به شیوه سقراطی تنها اندکی بیش از ندانستن است و از قبیل اعتراف به جهل خود عالم است.

با این حال ادعای ما این است که از لوازم شناخت خود و به اصطلاح خودشناسی سقراطی همانا ایران‌شناسی و خودشناسی ایرانی است و بیان خواهیم

۱۴۰

